

کارکردهای امام در جامعه از منظر روایات امام رضا علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

محمد امامی *

چکیده

امام که از طرف خداوند در جامعه برگزیده شده است نمی‌تواند نسبت به امورات جامعه منفعل یا منزوی باشد بلکه نسبت جامعه‌ای که در آن قرار دارد، کنش‌گر فعالی است که دارای اثرگذاری می‌باشد، از این رو برای امام در جامعه از طرف خداوند کارکردهایی باید باشد تا بتواند به وسیله آن در جامعه به کنش‌گری بپردازد، مسئله پژوهش حاضر بررسی و کشف کارکردهای امام در جامعه از منظر روایات امام رضا علیه السلام می‌باشد و با روش کیفی تحلیل مضمونی که روشی برای کشف و استخراج داده‌های موجود در متن می‌باشد و با ترسیم شبکه مضامین به استخراج مضامین پایه و سازمان دهنده و فراگیر می‌پردازد به کشف رابطه منطقی و منسجم بین آن روایات از منظر امام رضا علیه السلام پرداختیم و نتایجی که در این پژوهش بدست آمد، نشان می‌دهد که امام رضا علیه السلام برای امام در جامعه کارکردهای ویژه‌ای را قائل هستند و امام را به هیچ وجه منفعل ندانسته بلکه امام را با کنش‌گری‌های خود در جامعه یک شخصیت کاملاً فعال ترسیم می‌نماید طوری که در امورات آن اثرگذار می‌باشد زیرا امام رضا علیه السلام، در روایات خود، امام را در جامعه دعوت کننده به دین خداوند و اقامه کننده و برپا کننده دین خداوند می‌داند و قائل هستند که امام کارکرد مدیریتی دارند و توانا بر این امر می‌باشند، علاوه بر آن از منظر حضرت،

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

امام باعث امنیت و نظم در جامعه می‌باشد، بطور کلی امام رضا علیه السلام برای امام جامعه چهار کار کرد را عنوان می‌نماید که عبارتند از: ۱- دعوت کننده به سوی دین خداوند ۲- اقامه کننده دین خدا در جامعه ۳- توانا بر مدیریت جامعه ۴- باعث نظم و امنیت جامعه.

واژه‌های کلیدی: امام رضا علیه السلام، کارکردهای امام در جامعه اسلامی، کنش گری امام، شبکه مضامین.

مقدمه

بیان مسئله

وجود امام در جامعه اسلامی بعنوان یکی از ارکان مهم دین خداوند و از ضروریات دین اسلام می باشد چرا که توسط آن می توان به کنش گری در جامعه اسلامی پرداخت و اهداف دینی و الهی را در آن جامعه پیاده نمود. خداوند متعال حکیم است و برای همه امور، مصلحت و حکمتی قرار داده است، از بدیهیات حکمت الهی است که برای امام برگزیده خود که به عنوان امین خود در زمین قرار داده است و از همه کمالات و فضائل و صفات خود بر آنان اعطاء نموده است تا بتوانند در جامعه اسلامی اهداف الهی را پیاده کنند؛ برای امام کارکردی قرار دهد تا آثار عملی وجود امام در جامعه احساس شود و فلسفه وجودی امام صرفاً برای حضور و بودن در جامعه یا به عنوان کارشناس دینی در جامعه نباشد، برای امام در آموزه های اسلامی کارکردهای فراوانی ذکر شده است که نشانگر این است که امام در جامعه اسلامی نه منفعل است و نه گوشه نشین و منزوی بلکه امام در جامعه با نیروی الهی خود کنش گر فعال و اثر گذاری می باشد که با این کنش گری خود در جامعه تاثیرات قابل توجه و ملموس و مهم فراوانی می گذارد تا با هدایت ها و رهنمون های خود جامعه اسلامی را به اهداف الهی که همان سعادت و کمال انسان ها می باشد، برساند.

این نوشتار با روش تحلیل مضمون که یک روش کیفی در عرصه پژوهش و تحقیق می باشد و به وسیله آن متن مورد نظر بعد از مشاهده و کد گذاری های صورت گرفته و با کشف ارتباط منطقی آنان یافته های جدیدی در آن موضوع را کشف می نماید، به کشف و استخراج و سپس تحلیل کارکردهای امام در روایات امام رضا علیه السلام می پردازد و مسئله پژوهش حاضر درباره روایات امام رضا علیه السلام می باشد که در آن سعی می شود به

سوال اصلی یعنی وجود امام چه کارکردهایی برای جامعه اسلامی دارد؟ و از منظر روایی حضرت رضا علیه السلام این کارکردها چگونه است و چه چیزهایی را شامل می‌شود؟ پاسخ داده شود. پرداختن به این مسئله از این نظر اهمیت و ضرورت دارد که می‌تواند فلسفه وجودی امام را در جامعه مشخص نماید، و پاسخی باشد برای کسانی که امام را در جامعه فقط با عنوان عالمان دینی معرفی می‌نمایند و دخالت آنان را در امور سیاسی و حکومتی و مدیریتی جامعه منع می‌کنند. می‌توان گفت که این تنها امام است که به عنوان خلیفه خداوند و با کارکردهای ویژه‌ای که دارد می‌تواند در جامعه اسلامی به عنوان کنش‌گری فعال و اثرگذار و حتی جریان‌ساز حضورداشته باشد و مردمان آن را به عزت و سر بلندی در برابر دشمنان و بدخواهان برساند و راه سعادت و تکامل جامعه را نشان داده و به سرمنزل مقصود برساند. آری برای امام در جامعه می‌توان کارکردهایی را متصور شد که هرکدام از آنها نه تنها جامعه اسلامی و مسلمانان بلکه همه مردم دنیا را از منجلاب گرفتاری‌های امروزی در عصر مدرن برهاند و نجات بخش همه جوامع بشری باشد.

ادبیات نظری پژوهش

از ضروریات هر پژوهشی این است که درباره ادبیات بکار رفته در آن بررسی و تبیین صورت پذیرد تا بهتر به معانی آنها پی برده شود و درک عمیق‌تری حاصل شود، در این بخش به صورت مختصر به بیان مفاهیمی که در عنوان مقاله بکار رفته است، می‌پردازیم.

امام

امام و امامت مقوله‌ای است که ریشه‌ای قرآنی دارد و در قرآن کریم در چندین آیه با آن لفظ آمده است و در معانی مختلفی به کار رفته است که از جمله آن «به معنای پیشوا که جمع آن ائمه است می‌باشد، در حقیقت به آنچه از او پیروی می‌شود امام

می‌گویند، خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل». (محسن قرائتی، مؤسسه درسهایی از قرآن، ۱۳۹۱ ش، بخش امامت) در اعتقادات مذهب تشیع، امام تنها به ۱۲ نفر از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر نبی گرامی اسلام اطلاق می‌شود و آنها را به عنوان راهنمایان و پیشوایان بعد از پیامبر اسلام می‌شناسند که از طرف خداوند بر این امر برگزیده شده‌اند و از طرف پیامبر اسلام نام همه آنها برای مردم معرفی شده است. در روایتی معروف به حدیث لوح از جابر عبدالله انصاری که از حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده و در منابع مختلف روایی شیعه با اسناد صحیح آن آمده است و در روایتی دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره تعداد امامان بعد از خود می‌فرمایند: «أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَاهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من سرور انبیاء هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاء است. اوصیای پس از من دوازده تن هستند که نخستین آنها علی بن ابی طالب و آخرین ایشان قائم است». (ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۶۴)

اینها همه نشانگر این است که واژه امام در عقیده شیعه مختص به افراد خاصی می‌شود و برخلاف اهل تسنن که بر همه آنهاپی که حکومت را در دست می‌گیرند بدون هیچ قید و شرطی امام و خلیفه اطلاق می‌نمایند پس منظور از امام در این نوشتار امامی است که از طرف خداوند منصوب شده باشد نه امام به معنی مطلق آن.

کارکرد

واژه کارکرد در لغت نامه دهخدا به «کار و عمل و کردار و فعل» معنا شده است و این یعنی وقتی از کارکرد سخن به میان می‌آید منظور همان فعل و کردار شخص یا موضوعی است که مد نظر قرار می‌گیرد و در این نوشتار نیز منظور، بررسی همان جایگاه رفتاری و کرداری امام است که در جامعه انجام می‌دهد و بعنوان فعل از آن مقام صادر می‌شود.

جامعه

درباره جامعه نیز آنچه که در لغت نامه‌ها آمده است آن را واژه عربی می‌دانند که به معنی گردآوری شده یا گردآورنده و... است که لغت نامه دهخدا به آن اشاره کرده است، اما در اصطلاح از پرابهام‌ترین واژه‌هایی است که اندیشمندان علوم اجتماعی در صدد ارائه تعریفی جامع از آن هستند که بعضی‌ها آن را از لحاظ ساختار سیاسی تعریف می‌نمایند و بعضی دیگر آن را گروهی انسانی می‌دانند که در کنار هم جامعه‌ای را شکل می‌دهند و بعضی دیگر نگاه تمدنی به آن دارند که شامل مجموعه‌ای گسترش یافته در دوره‌ای قابل ملاحظه از زمان می‌شود. (باقرساروخی، ۱۳۷۰ ش، ص ۷۴۵)

جامعه از نگاه اسلامی و آموزه‌های دینی به منطقه جغرافیایی خاصی اطلاق نمی‌شود چرا که دین اسلام دین جامعی است و برای همه بشریت می‌باشد و این از خطاب‌های آیات قرآن که برای همه مردم و با لفظ «ایها الناس» خطاب می‌کند قابل درک است، پس وقتی لفظ جامعه را مطرح می‌نماییم شامل همه جوامع اسلامی و غیر اسلامی می‌باشد که در همه آنها امام، خلیفه الهی و دارای کارکردهایی است که به کنش‌گری و اثر گذاری در آنها می‌پردازد.

روش تحقیق

همانطور که در مقدمه بیان شد، روشی که در این پژوهش استخدام نموده و بکاربرده ایم، روش کیفی تحلیل مضمون می‌باشد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است، این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.

«بویاتزیس» که یکی از صاحب نظران برجسته تحلیل مضمون است و با استفاده از این روش، تحقیقات مختلفی در حوزه علوم رفتاری انجام داده است، از «دیوید

مک کله لند» به عنوان یکی از پایه گذاران اصلی این روش یاد می‌کند. وی در کتاب خود «تبدیل اطلاعات کیفی، تحلیل مضمون و تدوین کد» که در سال ۱۹۹۸ نوشته است، با رویکردی جامع و کاربردی، روش تحلیل مضمون را معرفی می‌کند. در بخش آغازین کتاب به این موضوع اشاره می‌کند که اولین بار در سال ۱۹۶۷ با فنونی که آنها را «دیوید مک کله لند»، «جان اتکینسون» و «جوزف وروف» جهت آزمون درک مضمون، توسعه داده بودند، آشنا شده است. (محمد شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۵۳)

به طور کلی، تحلیل مضمون، دارای مراحل است که در آن، اولاً به دیدن متن و برداشت از آن و ثانیاً درک مناسب از اطلاعات به ظاهر نا مرتبط و ثالثاً ایجاد کد و کد گذاری در متن و در ادامه استخراج مضمون پایه از آن و رابعاً کشف رابطه منطقی بین آنها و ایجاد مضمون سازمان دهنده و فراگیر و در نهایت ترسیم شبکه مضامین و تحلیل آنها می‌پردازد.

تحلیل یافته‌ها و شبکه مضامین

با بررسی روایات امام رضا علیه السلام با روش تحلیل مضمون، تعداد بیست روایت در متن مشاهده شد که از متن آن‌ها بطور مستقیم مضامین پایه استخراج شد که رابطه منطقی آنها با مشاهده روایات و مضامین قابل درک می‌باشد، در ادامه با کشف و استخراج رابطه منطقی میان آن مضامین پایه به چهار مضمون سازمان دهنده رسیدیم که در تحت عنوان کارکردهای امام در جامعه از منظر روایی امام رضا علیه السلام قرار می‌گیرند و در ادامه به ترسیم شبکه مضامین و تحلیل آنها می‌پردازیم.

جدول متن روایات استخراج شده ومضامین پایه

مضامین پایه	متن روایات
امام تبیین کننده معالم دین برای مردم	امر الامامه لم یعض حتی بین لامته معالم دینهم (مسند الرضا، ج ۱، ص ۲۹۱)
امام نشان دهنده راه مردم	و اوضح لهم سبیلهم (مسند الرضا، ج ۱، ص ۲۹۱)
امام هدایت کننده مردم به راه حق	و ترکهم علی قصد سبیل الحق (مسند الرضا، ج ۱، ص ۲۹۱)
امام دعوت کننده به سوی خداوند	و یدعوا الی سبیل ربه (مسند الرضا، ج ۱، ص ۲۹۳)
امام اقامه کننده حدود خداوند	و یقیم حدود الله (مسند الرضا، ج ۱، ص ۲۹۳)
امام امان امت	اهل بیتی امان لامتی (مسند الرضا، ج ۱، ص ۳۰۱)
تغییر سنت و احکام الهی با نبود امام	و غیرت السنن والاحکام (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۴)
امام کامل کننده واجبات پنج گانه دین	بالامام تمام الصلاه والزکاه والصیام والحج والجهاد (ج ۱، ص ۴۴۹)
امام مانع تجاوز و به خطرافتادن مردم	یمنعهم من التعدی والدخول فیما حظر علیهم؛ (ج ۲، ص ۲۰۳)
امام حافظ هویت و ملیت مردم	انه لولم یجعل لهم اماما قیما امینا حافظا لدرست المله؛
امام قیم و امین و حافظ مردم	اماما قیما امینا حافظا؛ (ج ۲، ص ۲۰۴)
امام مسلمین ستون جامعه اسلامی	ان والی المسلمین مثل العمود فی وسط الفسطاط؛ (ج ۲، ص ۳۶۵)
امام حافظ مرزها و حدود مسلمین	ومنع الثغور والاطراف؛ (ج ۱، ص ۴۴۹)
امام دعوت کننده مردم به سوی خدا	الداعی الی الله؛ (ج ۱، ص ۴۴۹)
امام توانا بر امامت جامعه	مضطلع بالامامه؛ (ج ۱، ص ۴۵۰)
امام عالم بر امور سیاسی	عالم بالسیاسه ۷ (ج ۱، ص ۴۵۰)
امام جاری کننده احکام در جامعه	وامضاء الحدود والاحکام؛ (ج ۱، ص ۴۴۹)

منظم شدن امور مسلمین با امام	ونظام المسلمین؛ (ج ۱، ص ۴۴۹)
روی آوردن مردم به دین و معرفت خداوند توسط امام	هم الذین بهم یتوجه الی الله عزوجل والی دینه و معرفته؛ (ج ۱ ص ۲۳۱)
امام اقامه کننده امر الهی	قائم بامرالله عزوجل؛ (ج ۱، ص ۴۵۵)

جدول شبکه مضامین

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
کارکردهای امام	امام دعوت کننده مردم بسوی دین خداوند	امام نشان دهنده راه مردم
		امام هدایت کننده مردم به راه حق
		امام دعوت کننده به سوی خداوند
		امام دعوت کننده مردم به سوی خدا
		روی آوردن مردم به دین و معرفت خداوند توسط امام
		امام تبیین کننده معالم دین برای مردم
	امام برپاکننده و اقامه کننده دین خداوند در جامعه	امام اقامه کننده حدود خداوند
		امام کامل کننده واجبات پنج گانه دین
		امام جاری کننده احکام در جامعه
		امام اقامه کننده امر الهی
		تغییر سنت و احکام الهی با نبود امام
	مدیریت امام در جامعه	امام توانا بر امامت جامعه
		امام مسلمین ستون جامعه اسلامی
		امام عالم بر امور سیاسی
	امام باعث نظم و امنیت مردم جامعه	امام حافظ مرزها و حدود مسلمین
		امام مانع تجاوز و به خطرافتادن مردم
		امام امان امت
		امام حافظ هویت و ملیت مردم
		امام قیم و امین و حافظ مردم
		منظم شدن امور مسلمین با امام

تحلیل شبکه مضامین

همانطور که بیان شد با بررسی روایات امام رضا علیه السلام با روش استخدای تحلیل مضمون مشخص می‌شود که امام نه تنها در جامعه منفعل نیست بلکه چهار کار ویژه مهم در جامعه دارد که هرکدام از آنها فقط توسط امامی که از جانب خداوند برگزیده باشد و دارای علم و حکمت و حلم الهی باشد می‌تواند به سرانجام برساند و اگر چنین نباشد آن جامعه دچار مختل شده و در معرض آسیب‌های متعددی قرار می‌گیرد که هرکدامشان می‌تواند آفتی برای دین و جامعه مسلمین باشد. امام رضا علیه السلام در تبیین جهات مختلف امامت به این امر اشاره نموده است و از روایات حضرت، نقش مهم و حیاتی امام در جامعه با داشتن کارکردهای چهارگانه مشخص و معلوم می‌شود. ادامه به تبیین و تشریح هرکدام از کارکردهای بیان شده می‌پردازیم و نتایجی که آن کارکردها برای جامعه اسلامی و مسلمانان می‌تواند داشته باشد را بیان می‌کنیم.

دعوت مردم به سوی دین خداوند

دعوت کردن را دو گونه می‌توان متصور شد یا به معنی خواندن فردی به سوی خود با زبان یا ایجاد انگیزه در شخص، طوری که آن شخص خود به خود مشتاق گرویدن به سوی کاری شود. خداوند متعال بعد از بعثت پیامبران، اولین و مهم ترین کاری که برعهده آنها می‌گذارد بحث دعوت کردن است، همان طور که در آیات مربوط به رسالت حضرت موسی، خداوند بلافاصله بعد از آن که ایشان را به پیامبری مبعوث می‌کند و می‌فرماید «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»؛ (طه آیه ۴۱) و تو را برای (مقام رسالت و محبت) خود پروردم.

بحث دعوت را مطرح می‌نمایند و ماموریت پیامبر را دعوت فرعون - که طغیان کرده است - قرار می‌دهد و دعوت به سوی خداوند، به عنوان اولین و مهم ترین کارکرد پیامبر تعیین می‌شود. درباره پیامبر اسلام نیز همان گونه است و خداوند در قرآن کریم به پیامبر ماموریت دعوت مردم به سوی دین و خداوند را می‌دهد، آنجا که می‌فرماید:

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (نحل آیه ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نما. در آیه دیگری می‌فرمایند: «و انک لتدعوهم الی صراط مستقیم»؛ (مومنون آیه ۷۳) به طور قطع و یقین تو آنها را به صراط مستقیم دعوت می‌کنی.

معلوم می‌شود که دعوت به سوی خداوند از امور مهمی است که خداوند برعهده پیامبران قرار داده است و از رسالات نهایی نبوت می‌باشد و حتی دعوت کردن را هدف اصلی بعثت پیامبران می‌توان عنوان کرد تا در جامعه خود، مردم را با عمل و گفتار و کردارشان به سوی خداوند دعوت نمایند.

بعد از پیامبر اسلام، حکمت خداوند بر این بود که جامعه را بر پایه حکومت امام و نهاد امامت اداره نماید و امام را جانشین خاتم پیامبران خود و رسول گرامی اسلام قرارداد و توسط پیامبر، جانشینان خود را برای مردم معرفی نمود و امام شد جانشین پیامبر در جامعه. آری امام نیز همانند پیامبر ادامه دهنده راه آنان شد و رسالت اصلی خود را از طرف خداوند دعوت کردن مردم به سوی خداوند یافت و در روایات متعددی از امام رضا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام بر این امر تاکید می‌شود که کارکرد امام بعد از پیامبر، دعوت کننده مردم است به سوی خداوند و دین خداوند، زیرا امام از ارکان مهم دین می‌باشد که بر اثر آن از دین خداوند نگهداری کرده و در مقابل تحریف‌ها و بدعت گذاران ایستادگی می‌کند. امام باید با بیان معارف اصیل دینی که به فرموده امام رضا علیه السلام تا این اتفاق (بیان معارف دینی) نیفتد، امامت اتفاق نیفتاده است «امر الامامه لم یمض حتی بین لامته معالم دینهم»؛ امر امامت انجام نمی‌شود تا اینکه معالم و معارف دینی را برای امتش تبیین کرده باشد». (عزیزالله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۱) امام باید مردم را به دین الهی دعوت کند، در این باره امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «هم الذین بهم یتوجه الی الله عزوجل والی دینه ومعرفته»؛ امامان کسانی

هستند که مردم توسط آنان به خداوند متعال و دین و معرفت آن توجه پیدا می‌کنند. (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۳۱)

آری این امام خلیفه الهی می‌باشد که می‌تواند مردم را به سوی شناخت و معرفت باری تعالی برساند و راه درست را به آنان نشان داده «واوضح لهم سبیلهم». (عزیز الله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۱) آنان را به راه حق هدایت کند «و ترکهم علی قصد سبیل الحق». (عزیزالله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۱) امام رضا علیه السلام برای امام این کارکرد را قائل می‌باشد که امام مردم را دعوت به سوی خداوند می‌کند و می‌فرماید «و یدعوا الی سبیل ربه»؛ امام دعوت می‌کند مردم را به راه خداوند (عزیزالله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۳) و همچنین در این باره می‌فرماید «الداعی الی الله»؛ امام دعوت کننده به سوی خداوند است. (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۴۹)

صفت داعی و دعوت کننده در قرآن کریم برای پیامبر اسلام آمده است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً» (احزاب، آیه ۴۶)؛ ای پیامبر ما تو را به عنوان گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده و تو را دعوت کننده به سوی الله به فرمان او قرار دادیم و چراغ روشنی بخش.

در روایات نیز این صفت برای امامان علیهم السلام بیان شده است، در زیارت جامعه کبیره که از طرف امام هادی علیه السلام بعنوان داعیی که در ضمن آن معرفی امام حقیقی را بیان می‌فرماید تا مردم و مسلمانان امام خود را با آن ویژگی‌ها بشناسند، دو عبارت درباره دعوت کننده بودن امام مطرح می‌شود، ابتدا در آن امام را داعی الی الله معرفی می‌نماید و می‌فرماید «السلام علی الدعاة الی الله»؛ سلام بر شما امامان که دعوت کنندگان به سوی خدا هستید و در ادامه نوع دعوت امامان را بیان می‌کند که دعوت امام بهترین و نیکوترین دعوت‌ها است و این مهم را با عبارت «الدعوة الحسنی» بیان

می‌کند. آری دعوت امام نیکو‌ترین دعوت است چرا که این بزرگواران مصداق همان آیه شریفه می‌باشند که امامانی هستند که دعوت کننده به سوی نور از طرف خداوند قرار داده شده‌اند.

«وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا و اوصينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين»؛ (انبیاء، آیه ۷۲) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم و آنان تنها مرا پرستش می‌کردند.

امام دعوت کننده است به سوی خداوند و دین خداوند. این کار کردی است که در روایات امام رضا علیه السلام بر آن تاکید شده و اگر در جامعه، امام و حاکم و صاحب قدرت، مردمان را به سوی خداوند و دین او دعوت نکند و در این راستا تلاش ننماید، قطعاً نامشروع است و امامت او غیر حق بوده و باطل است چراکه هدف اصلی و نهایی نبوت و امامت همین دعوت به سوی خداوند است، امری که به فرموده پیامبر (ص) انجام دهنده آن از بهترین امت می‌باشند «خيارُ أمتي من دعا إلى الله تعالى و حَبَّبَ عِبَادَهُ إِلَيْهِ»؛ بهترین امت من کسانی هستند که مردم را به سوی خدا می‌خوانند و بندگان را محبوب خدا می‌نمایند. (علی بن حسام علاء‌الدین، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۱۵۲) امام سجاد علیه السلام به عنوان امام معصوم و جانشین خداوند و پیامبر اسلام، از خداوند می‌خواهد که دعوت کننده به سوی خدا قرار دهد «اجعلنا من دُعَاتِك الدَّاعِينَ إِلَيْكَ»؛ ما را از دعوت کنندگانی که به سوی تو فرا می‌خوانند قرار ده. (صحیفه سجادیه، دعای ۵) دعوت کنندگی امام به عنوان اولین و مهمترین کارکرد ایشان در جامعه از طریق روایات امام رضا علیه السلام و سایر منابع و آموزه‌های اسلامی استخراج می‌شود که امام در جامعه داعی الی الله است و راه حق را برای مردمان نشان می‌دهد و از گمراه شدن آنان جلوگیری می‌نماید.

اقامه دین خداوند در جامعه

خداوند متعال در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبران را اقامه دین در جامعه می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» (شوری، آیه ۱۳)؛ خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید.

وصیتی که خداوند برای همه پیامبران و به خصوص پیامبران الوالعزم در این آیه شریفه آورده‌اند، اقامه دین و برپا کردن دین در میان مردم و جامعه است. اقامه دین در جامعه به معنی این است که در آن دین دوام داشته باشد و معارف دینی در عمل و در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی مردم اثر گذاشته باشد و این ماموریت انبیای الهی بود که باید انجام می‌شد، همانطور که در آیه دیگری با لفظ امر و دستوری به پیامبر راجع به اقامه دین سخن می‌گوید و می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (روم، آیه ۱۳) پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است، آفرینش خدا تغییرپذیر نیست، این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

بعد از پیامبران الهی، این وظیفه از طرف خداوند برعهده امام گذاشته شده است تا در جامعه برای احیای دین قیام کند و معارف دینی را با برپایی آن پیاده نماید. امام علاوه بر این که مردم را به سوی دین خداوند دعوت کرده و از دین الهی محافظت می‌کند، برپاکننده و اقامه‌کننده دین الهی در جامعه نیز می‌باشد و این کارکرد بسیار مهمی است که از طرف خداوند برعهده امام است تا بتواند دین را در جامعه پیاده نماید و دین همان حدود خداوند است که برای انسان تعیین نموده است تا به

وسیله آن بتواند راه سعادت و تکامل را ببیند، همانطور که مفسر گرانقدر مذهب شیعه، علامه طباطبایی، دین را این گونه تعریف می‌کند: «دین، عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند، اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان است». (سیدمحمد حسین طباطبایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۱)

امام بعد از انبیاء الهی تنها شخصی است که می‌تواند دین را در جامعه برپا نماید و این از کارکردها و فلسفه وجودی امام در جامعه نشأت می‌گیرد و برای همین است که امام رضا علیه السلام بر وجود این کارکرد در امام تأکید می‌نماید که امام می‌تواند دین الهی را در جامعه و میان مردم برپا کند زیرا امام ذاتا قیام کننده است برای امر خداوند در زمین که در این باره می‌فرماید: «قائم بامر الله عزوجل»؛ (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۵۵) امام اقامه کننده امر الهی است. به عقیده حضرت این امام است که حدود الهی را در جامعه برپا می‌نماید «و یقیم حدود الله». (عزیزالله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹۳) و زمینه اجرای احکام الهی را در جامعه فراهم می‌آورد تا آنها را در جامعه جاری و امضاء نماید «وامضاء الحدود والاحکام». (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۴۹)

از منظر امام رضا علیه السلام امام همان کارکرد انبیاء علیهم السلام را دارد تا بتواند در جامعه دین را برپا نماید چرا که اگر امام نباشد دین خدا در معرض تغییر احکام و سنن الهی قرار می‌گیرد «و غیرت السنن والاحکام» (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۴) و برای همین است که امام را تمام کننده فریضه‌های الهی بر شمرده‌اند «بالامام تمام الصلاه والزکاه والصیام والحج والجهاد»؛ (ابو جعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۴۹) و با امام است که نماز و روزه و حج و زکات و جهاد کامل می‌شود.

امام آن فریضه‌ها را در جامعه عملی می‌نماید و باعث اعتلای دین خدا در زمین می‌گردد.

همانطور که بیان شد یکی از مهم‌ترین کارکردهای امام در جامعه از منظر روایات امام رضا علیه السلام این است که امام قیام به احیای امر الهی می‌کند و در جامعه برپاکننده حدود و احکام الهی می‌باشد برای همین است که امام را خلیفه الهی و جانشین و برگزیده او باید دانست. آن کسی که صاحب اصلی معارف اصیل دینی و علم الهی می‌باشد می‌تواند در جامعه به خوبی نسبت به برپایی حدود خداوند اقدام نماید و دین الهی را در همه شئون انسان، جاری و ساری سازد تا آن آثاری که برای اقامه کردن دین در جامعه است شامل جامعه اسلامی بشود. به فرموده قرآن اگر دین در جامعه اقامه شود آن جامعه و مردم شامل رحمت و نعمت‌های الهی می‌شود که همانند نزولات آسمانی بر آنان عرضه می‌شود.

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده، آیه ۶۶)؛ و چنانچه آنان به دستور تورات و انجیل و قرآنی که از سوی پروردگارشان به سوی آنها نازل شده، قیام می‌کردند البته از هر گونه نعمت از بالا و پایین برخوردار می‌شدند.

طبق آیه‌ای که ذکر شد این برپایی دین در جامعه است که باعث وفور نعمت از طرف خداوند می‌شود و امام به عنوان قائم امر الهی می‌تواند این دین را در جامعه اقامه کند و جامعه را به سرمنزل نهایی که سعادت و تکامل می‌باشد، برساند. در طول زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام تلاش برای اقامه دین کاملاً مشهود بوده است و با اینکه متأسفانه ابزار قدرت و حکومت جز در زمان محدود که دوره حکومت حضرت علی علیه السلام بود، در اختیارشان نبود اما همواره از طرق مختلف به دنبال احیاء و برپایی دین و معارف دینی در میان مردم و جامعه خود بوده‌اند. از صلح امام حسن علیه السلام تا قیام امام حسین علیه السلام و تبیین و نشر معارف دین و مبارزات و فعالیت‌های سیاسی -

اجتماعی که توسط همه ائمه علیهم السلام صورت می پذیرفت بر می آید که به دنبال تحقق این امر و وظیفه الهی بوده‌اند و قطعاً با برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) به این هدف نائل خواهند شد و تلاش انبیا و اولیاء الهی با حکومت مهدوی به منصفه ظهور خواهد رسید و دین الهی با همه معارف در تمام شئون فردی و اجتماعی انسان اقامه خواهد شد.

مدیریت جامعه

مدیریت همان «هنر یا علم اداره یک مجموعه جهت نیل به اهداف سازمانی» است. (حسین توانایان فرد، ۱۳۶۵، ص ۲۴) و «در معنای عام شامل هدایت و رهبری جامعه می‌باشد. از واژگان مدیریت در منابع اسلامی می‌توان به امامت و ولایت اشاره کرد که برجسته ترین و بنیادی ترین معنای به کارگیری آن در مفهوم مدیریت و رهبری است». (مهدی نیلی پور، ۱۳۸۶، ص ۴۰) اهمیت داشتن توانایی مدیریت آن قدر ویژه است که خداوند در قرآن بر مدبرین امور قسم یاد کرده است «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا؛ نازعات، آیه ۵» و قسم به آنها که امور را تدبیر می‌کنند.

این نشان گر آن است که این توانایی شامل هرکسی نمی‌شود و هر فردی دارای توانایی مدیریت ساختاری و شرایط زمانی نیست. فضل بن شاذان نیشابوری می‌گوید درباره ضرورت و اهمیت مدیریت از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود «أَنَا لَأَنْجِدَ فِرْقَةَ مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مَلَّةَ مِنَ الْمَلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا الْآبِقِيمَ وَرَبِّسَ لِمَا لَا بَدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي الْأَمْرِ الدِّينِ وَالْدُنْيَا» (محمدباقر مجلسی، ۱۳۱۵ ق، ج ۲۳، ص ۳۲)؛ به درستی که ما در بررسی احوال بشر هیچ گروه و فرقه‌ای را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر به وجود سرپرستی که امور مادی و معنوی و دین و دنیای آنان را مدیریت نماید. هیچ مکتب و مذهبی همانند اسلام به این روشنی، اهمیت مدیریت و رهبری را بیان نکرده که سعادت و پایداری یک ملت را در زندگی دنیوی و امور دینی مرهون آن بداند.

حال که مشخص شد امام دعوت کننده به سوی خداوند است و در جامعه، دین خدا را اقامه و برپا می‌کند، امام رضا علیه السلام به بخش ویژه دیگری از کارکردهای امام اشاره می‌نمایند و آن، مدیریت امام در جامعه می‌باشد و امام را دارای این قدرت و هنر می‌داند و معتقد است امام به عنوان شخصی که بر امامت و پیشوایی جامعه توانمند است «مضطلع بالامامه»؛ (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۵۰) امام توانا بر امامت، مدیر و مدبر در جامعه می‌باشد که توانایی مدیریت در عرصه‌های مختلف جامعه را دارد و با علم الهی خود به همه ابعاد مختلف مدیریتی واقف بوده و امور اجتماعی و سیاسی زمان خود را می‌داند و به عنوان عالم سیاسی در روایات امام رضا علیه السلام مطرح می‌شود «عالم بالسیاسة»؛ (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۵۰) امام عالم به امور سیاست است.

علم به امور سیاسی و توانایی در امامت جامعه، نشانگر دارا بودن کارکرد مدیریت در امام است. امام همانند ستون خیمه، نقش عمود و ستون جامعه را ایفا می‌کند «ان والی المسلمین مثل العمود فی وسط الفسطاط»؛ (ابوجعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۶۵) همانا والی مسلمین همانند عمود در وسط خیمه است. اگر توانا در امور مدیریتی نباشد آن جامعه محکوم به شکست خواهد بود.

نمونه‌های فراوانی برای وجود توانایی مدیریت در ائمه اطهار علیهم السلام در منابع تاریخی شیعه و سنی می‌توان یافت. از آن نمونه‌ها می‌توان به مدیریت امام علی علیه السلام در زمان حساس بعد از وفات پیامبر در جامعه اشاره کرد که هر آن بیم از بین رفتن دین اسلام بود و امام علی علیه السلام با مدیریت خود توانستند فتنه‌هایی که برای از بین بردن اسلام تدارک دیده شده بود را خنثی نمایند. آن حضرت در این باره در نامه ۶۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَأَمْسَكَتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ تَلْمَازًا أَوْ هَدْمًا تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قُوْتِ وَ لَائِيكُمْ الَّتِي إِنَّمَا هِيَ مَتَاعٌ

«أَيَّامِ قَلَائِلٍ»؛ دست ننگه داشتم تا این که دیدم گروهی از مردم از اسلام برگشتند (مرتد شدند) و مردم را به محو دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند، ترسیدم که اگر در این لحظات حساس، اسلام و مسلمین را یاری نکنم، خرابی و یا شکافی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن بر من از مصیبت از دست رفتن چند روزه خلافت بیشتر است.

همچنین در زمان امام رضا علیه السلام نیز این قدرت مدیریتی امام بود که باعث شد دسیسه‌های مامون که علیه حضرت چیده شده بود در نهایت به ضرر خود مامون و دستگاه حکومتی او تمام شود و به اعتراف فضل بن سهل - وزیر مامون - آن دسیسه‌ها با شکست روبه رو شود.

آری امام در جامعه حکم مدیر را دارد و از طرف خداوند به این هنر و علم مهیا شده است تا بتواند به بهترین شکل ممکن، جامعه را مدیریت نماید و مردم را به دین خدا دعوت کرده و امر الهی را اقامه نماید. مردم باید بدانند که با وارد کردن امام در عرصه مدیریتی جامعه که البته دارای چنین قدرت و توانمندی است که به عنوان کارکرد ویژه امام یاد می‌شود و واگذار کردن حکومت به امام برگزیده خداوند می‌تواند شاهد جامعه‌ای باشند که معارف اصیل و ناب دینی و الهی به خوبی مدیریت و اجرا می‌شود و تنها امام است که می‌تواند جامعه را با مدیریت الهی از مشکلات و گرفتاری‌ها برهاند و مردمان آن را به سمت هدایت و راه حقیقت و سعادت راهنمایی نماید.

برقراری نظم و امنیت در جامعه

نظم و امنیت در هر جامعه‌ای از مسائل مهم و استراتژیک آن جامعه به حساب می‌آیند که مردم و همچنین حاکمان آن جامعه در پی تلاش برای ایجاد و برقراری این دو مقوله در جامعه خود می‌باشند. جامعه با نظم و امنیت می‌تواند به پیشرفت در عرصه‌های مختلف برسد و در مقابل، نا امنی مسئله‌ای است که می‌تواند جامعه را تا حد نابودی و هلاکت مردم آن بکشاند. در آموزه‌های اسلام نیز تاکید بسیاری بر اهمیت وجود نظم و امنیت در جامعه شده است. در قرآن کریم آیات بسیاری با واژه امنیت و

مشتقات آن والفاظی که دلالت بر معنی امنیت می‌کند، آمده است. همچنین درباره نظم نیز آیات فراوانی آمده است که نشان دهنده این است که کل آفرینش و خلقت خداوند بر اساس نظم بوده است و به طریق اولی دلالت بر ضرورت نظم در جامعه انسانی می‌کند. روایات اسلامی، جامعه‌ای را که نظم و امنیت نداشته باشد، از شرترین جوامع عنوان کرده‌اند که هیچ‌گونه خیرری در آن یافت نمی‌شود. آن جا که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ»؛ هیچ خیرری در وطن نیست مگر اینکه همراه با امنیت و شادمانی باشد. (محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۳، ص ۲۴۳) از امام علی علیه السلام روایتی هست که می‌فرماید: «سُرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ»؛ بدترین وطن‌ها وطنی است که ساکنانش امنیت و آسایش نداشته باشند. (محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۳، ص ۲۴۳) این روایات، نشانگر اهمیت وجود امنیت و نظم در دین اسلام است و آن طور که از روایات برمی‌آید نتیجه وجود این دو مقوله را می‌توان وجود آرامش در جامعه عنوان کرد.

برای رسیدن به آرامش و ایجاد نظم و امنیت در جامعه، راه‌های مختلفی را انسان در جوامع خود امتحان کرده است که بر اثر قدرت طلبی‌ها و درگیری‌های افراد مختلف نوعاً با شکست مواجه شده است. دین اسلام وجود نظم و امنیت در جامعه را همراه با حکومت افراد صالح و اولیاء الهی می‌داند و وجود این دو مقوله در جامعه را نتیجه حکومت صالحان تحت حاکمیت خداوند بیان می‌نماید، همانطور که خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره مائده در این رابطه فرموده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ سزای کسانی که با دوستداران خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف

جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند، این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

در آیه فوق دلیل عدم وجود امنیت را جنگ و دشمنی با اولیاء خداوند و پیامبران عنوان می‌کند و این وعده خداوند است که با ایمان به خداوند و انجام عمل صالح و پیاده نمودن فرمایشات الهی در جامعه، آن جامعه نظم و امنیت به خود می‌گیرد. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ (نور، آیه ۵۵)؛ وعده داده خداوند که کسانی را که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند، خوف و ترسشان را به امنیت تبدیل نماید.

همچنین در روایات؛ حضور امامی را که خلیفه و جانشین خداوند در زمین است باعث امنیت و نظم در جامعه، معرفی کرده اند. با امام، جامعه منظم می‌شود و از کارکردهای وجودی امام در راس قدرت و حکومت که خداوند آن را قرار داده است، جامعه و مردم به امنیت و آسایش می‌رسند.

در تعبیری امیرالمومنین علی علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه چهل و ششم، امام را به نخ تسبیحی تشبیه می‌نمایند که همه امت را در آن نظم داده و هر کدامشان را در جایگاه خود قرار می‌دهد: «مَكَانُ الْقِيمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيُضْمُّهُ، فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَ ذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحِذَائِهِ أَبَدًا»؛ زمامدار و ولی امر به منزله رشته‌ای است که مهره‌ها را گرد آورده، آنها را به هم پیوند می‌دهد، اگر رشته از هم بگسلد، مهره‌ها از یکدیگر جدا شده، پراکنده می‌گردند و دیگر هیچ گاه همه آنها گرد نمی‌آیند.

همچنین «در کتاب شریف غایه المرام» از جابر جعفی نقل شده که گفت به حضرت محمد بن علی باقر علیه السلام عرضه داشتم؛ «برای چه به پیغمبر و امام احتیاج هست؟ فرمود برای باقی ماندن جهان بر صلاح خودش و آنکه خداوند عزّ و جل در صورتی که پیغمبر یا امام بین اهل زمین باشد، عذاب را از آنان برمی‌دارد». (معجمد

بن حسن حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۵۶۶) خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ»؛ (انفال، آیه ۳۳) و تا وقتی که تو در میان آنها ای، خداوند آنها را عذاب نمی‌کند.

از روایات چنین برمی‌آید که حضور امام در جامعه باعث امنیت و آسایش است و فرقی نمی‌کند که امام در حالت ظاهری در جامعه باشد یا در زمان غیبت باشد. از امام مهدی (عج) عبارتی با عنوان اینکه امام باعث امنیت و آسایش اهل زمین است وارد شده که حضرت «در نامه مبارک خود به «اسحاق بن یعقوب» چنین می‌فرماید: **إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ**، **كَمَا أَنَّ النَّجْمَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ**؛ من مایه آرامش و امنیت هستم، همان‌گونه که ستارگان آسمان، باعث امنیت آسمانیان هستند. (مجتبی تونه ای، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۲۰) امام رضا علیه السلام در روایتی از جد بزرگوارشان نقل می‌کند که فرمودند: «**اهل بیته امنی لامتی**»؛ اهل بیت من امان و باعث امنیت امتم هستند. (عزیزالله عطاردی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۰۱)

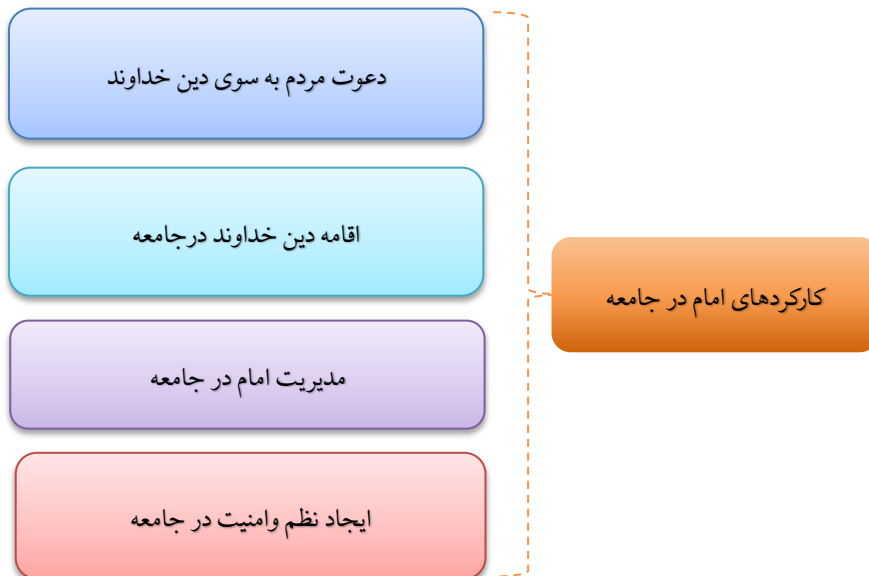
با بررسی روایات امام رضا علیه السلام به این نکته می‌رسیم که از منظر امام رضا علیه السلام کسی که می‌تواند این مهم - امنیت - را برای جامعه مهیا نماید تنها وجود با برکت امام به عنوان خلیفه و برگزیده الهی می‌باشد. حفظ امنیت توسط امام یک کارکرد مهم دیگری در جامعه می‌باشد. در این باره به چند روایت بر می‌خوریم که حضرت رضا علیه السلام از زوایای مختلف به حفظ امنیت و مرزها و حتی هویت و ملیت مردم تاکید می‌نماید و می‌فرماید: «**يَمْنَعُهُمُ مِنَ التَّعْدِي وَالِدُخُولِ فِيهَا حِظْرٌ عَلَيْهِمْ**»؛ امام از تعدی و دخول دشمنان علیه مردم منع و محافظت می‌کند. (ابو جعفر بن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۳) امام را بعنوان قیم و حافظ مردم معرفی می‌نماید که اگر نباشد ملیت و هویت مردمان جامعه به خطر خواهد افتاد: «**اِنَّهُ لَوْلَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ اِمَامًا قِيَمًا اَمِينًا حَافِظًا لِدَرْسِ الْمَلَةِ**». (ابو جعفر ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۴)

با بیان این روایت که امام حافظ هویت مردم است می‌توان فهمید که کارکرد امام برای جامعه، چقدر از اهمیت والایی برخوردار است. مردم اگر می‌خواهند به مسئله همیشه مهم جوامع در تاریخ - امنیت - برسند باید به ریسمان برگزیده و خلیفه الهی - امام در جامعه - چنگ بزنند چرا که امام از طرف خداوند، امین و قیم و حافظ برای مردم تعیین شده است: «اماما قيما امينا حافظا». (ابوجعفر ابن بابويه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۴)

از منظر امام رضا علیه السلام علاوه بر اینکه امام، امنیت داخلی را به ارمغان می‌آورد و باعث حفظ هویت و ملیت مردمان جامعه می‌شود، در کنار آن به امنیت مرزهایی که از خطرات دشمنان خارجی همواره مورد تهدید می‌باشد، می‌رسد و نمی‌گذارد مرزهای جوامع اسلامی دچار تزلزل گشته و به نا امنی کشیده شود. حضرت می‌فرماید: «ومنع الثغور والاطراف»؛ امام از حدود و اطراف جوامع محافظت می‌نماید. (ابوجعفر ابن بابويه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۴۹) توسط امام، امنیت و آرامش به جامعه منتقل گشته و جامعه روی آسایش را می‌بیند و در کنار آن، امور مسلمین را نظم و سامان می‌دهد: «و نظام المسلمین»؛ (ابوجعفر ابن بابويه قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۴۹) تاهمه مردم بر پایه عدالت و برابری که امام به ارمغان آورده است در جامعه‌ای امن، زندگی خود را الهی و دینی بنا نهاده و به سر منزل مقصود - سعادت و تکامل - برسند.

از روایات بر می‌آید که امام در جامعه، ابعاد مختلفی از امنیت و آسایش مردم را فراهم می‌نماید. از بُعد روحی و روانی جامعه تا ابعاد نظامی و هویتی و مرزهای اعتقادی و فکری آنها را نیز در بر می‌گیرد. آری امام کارکرد ایجاد نظم و آسایش و امنیت در جامعه را دارد و از طرف خداوند نیز این توانایی و قدرت به ایشان اعطاء شده است منتهی باید توجه کرد که امام در صورتی می‌تواند این مهم را در جامعه اجرا نماید که صاحب قدرت و حکومت باشد و در راس جامعه قرار گرفته باشد، چیزی که

در طول تاریخ مردم از آن بی بهره و غافل مانده‌اند و به جای اینکه حصول امنیتشان را در این خاندان بجویند دنبال افراد نالایقی رفتند و در منصب حکومت قرارشان دادند که نتیجه اش جز ناامنی و آوارگی و تسلط بیگانگان بر ناموس و مال مسلمانان چیز دیگری برای آنها نداشت و امام رضا علیه السلام و سایر ائمه اطهار با بیان روایاتی چنین که نمونه‌هایی از آن‌ها را بیان کردیم به مردم اعلام می‌کنند که به سوی امام حق و واقعی که از طرف خداوند جانشین پیامبر گشته و توسط حضرت بر همگان معرفی شده است، بشتابند تا در سایه لطف و مدیریت ایشان به آسایش و آرامش حقیقی برسند.



نتیجه گیری

با بررسی روایات امام رضا علیه السلام با روش کیفی تحلیل مضمونی، نتیجه می‌گیریم؛ امامی که از طرف خداوند در جامعه اسلامی بعد از پیامبر اسلام به عنوان خلیفه الله معرفی شده است نمی‌تواند در جامعه منفعل یا منزوی بماند چرا که ذاتا امام در راس کنشگران جامعه قرار گرفته است و دارای جایگاه اثرگذاری در جامعه می‌باشد و به همین خاطر از طرف خداوند کارکردهایی برای وی اعطاء شده است تا بتواند در جامعه کنش گر فعالی نسبت به همه امور باشد تا بتواند در جامعه اثرگذاری کرده و اهداف الهی را در آن پیاده نماید و در نهایت مردمان آن جامعه را به سعادت و تکامل برساند.

از منظر امام رضا علیه السلام، امام، در بُعد دینی نقش هدایتگری جامعه را برعهده می‌گیرد و مردم را به سوی دین خداوند دعوت می‌نماید و این اولین و مهمترین کار کرد امام می‌باشد و در ادامه امام باید وظیفه‌ای که همه انبیا از طرف خداوند برای آن مبعوث شده بودند را برعهده بگیرد و برای به انجام رسیدن آن، فعالیت و تلاش نماید و آن وظیفه همان برپایی و اقامه دین است که در قرآن کریم با لفظ «اقیموا الدین» خطاب به پیامبران الوالعزم آمده است. امام با توانایی و قدرتی که در مدیریت جامعه دارد می‌تواند هم نقش هدایت‌گری و هم نقش برپا کننده دین در جامعه را به خوبی ایفا نماید و دین و معارف دینی را در روی زمین اقامه کند. امام رضا علیه السلام با بیان کردن اینکه امام در امامت و مدیریت جامعه توانمند است به نوعی به کارکرد دیگر امامت می‌پردازد و آن ایجاد نظم و امنیت و آسایش در جامعه توسط امام می‌باشد یعنی امام است که می‌تواند در جامعه با قدرت و توانایی مدیریتی خود این مقوله‌های بسیار

حیاتی و مهم را که دعوت به سوی دین و اقامه کردن دین در جامعه و به خصوص ایجاد نظم و امنیت در جامعه می‌باشد را به سرانجام برساند.

بطورکلی از روایات امام رضا علیه السلام، برای امام جامعه چهارکار ویژه اصلی و مهم کشف می‌شود و مشخص می‌شود که امام نقش بسیار حیاتی و ویژه در جامعه ایفا می‌کند زیرا با نبود امام دین و دنیای انسان به خطر افتاده و در معرض نابودی قرار خواهد گرفت، و آن کارکردها عبارتند از:

- ۱- امام دعوت کننده مردم به سوی خداوند؛
- ۲- امام برپاکننده و اقامه کننده دین خداوند در جامعه؛
- ۳- امام توانا در مدیریت جامعه (اشاره به کارکرد مدیریتی امام)؛
- ۴- امام باعث نظم و امنیت در جامعه.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
صحیفه سجادیه.
۱. ابن بابویه، شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ترجمه علی اکبر غفاری، دوجلدی، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. تونه ای، مجتبی، موعود نامه فرهنگ الفبایی مهدویت، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۷ ش.
 ۳. توانایان فرد، حسین، مبانی مدیریت و مدیریت در اسلام، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۶۵ ش.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۸۴ ش.
 ۵. ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ ش.
 ۶. شیخ زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن، مقاله تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
 ۷. طباطبایی، سیدمحمد حسین، شیعه در اسلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸ ش.
 ۸. عطاردی، شیخ عزیز الله، مسندالرضا، دوجلدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۸ ق.
 ۹. علاءالدین، علی بن حسام، کنز العمال، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ه ق.
 ۱۰. قرآنی، محسن، اصول عقاید (امامت)، مؤسسه درسهایی از قرآن، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵ ق.
 ۱۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحديث، ۱۳۸۴ ش.
 ۱۳. نیلی پور، مهدی، مهندسی و مدیریت فرهنگی، ۱۳۸۶، اصفهان، مرغ سلیمان.